

# 'Teacher as Professional' as Metaphor:

## What it Highlights and What it Hides

Bruce Maxwell

### استعاره "معلم به مثابه فردی حرفه ای و متخصص":

چه نکاتی را (در حوزه عملکرد معلم) پررنگ و برجسته می کند و چه نکاتی را پنهان می نماید؟

This article is concerned with the downsides of using the language of professionalism in educational discourse. It suggests that the language of professionalization can be a powerful rhetorical device for promoting welcome and necessary changes in the field of teaching but that, in doing so, it can unintentionally misrepresent the work that teachers do. Taking as a theoretical framework Lakoff and Johnson's metaphor theory, the article argues that 'teacher as professional' should be seen as a metaphor of teaching on par with other metaphors familiar from the history of educational thought. What metaphors of teaching have in common, the article advances, is that they systematically highlight certain aspects of teaching while hiding others. The significance of this conclusion is twofold. Appreciating the limits of the 'teacher as professional' metaphor provides guidance about how to use more effectively 'professionalism' as a normative standard for promoting change in teaching and teacher education. Second, appreciating the metaphorical character of 'teacher as professional' has heuristic value in that it offers a novel explanation for the controversial trend towards conceptualising teaching in narrowly instructional terms.

این مقاله با جنبه های زیرین استفاده زبان حرفه گرایی در گفتمان تعلیم و تربیتی، مرتبط است. آن پیشنهاد می کند که زبان حرفه ای کردن می تواند یک شگرد بلاغتی قدرتمند برای ترویج تغییرات مطلوب و ضروری در حوزه تدریس باشد، اما در انجام این کار، می تواند به طور ناخواسته وانمود اشتباهی باشد که معلمان انجام می دهند. با توجه به عنوان چارچوب نظری لیکاف و نظریه استعاره جانسون، مقاله استدلال می کند که: «معلم به عنوان فردی حرفه ای» باید به مثابه یک استعاره تدریس کردن مبتنی و همتراز با دیگر خانواده های استعاره ای از تاریخ تفکر آموزشی لحاظ شود. استعاره های تدریس در عمومیت چه چیزهایی در بردارد؟ آنچه مقاله به پیش می برد، این است که آن ها به طور سیستماتیک، جنبه های خاصی از تدریس را برجسته و پررنگ می کند در حالی که برخی را پنهان می نماید. اهمیت این نتیجه گیری دو قسم است: قدردانی از محدودیت های استعاره «معلم به مثابه فرد حرفه ای» که در مورد نحوه استفاده موثرتر از «حرفه ای گرایی»، به عنوان یک استاندارد هنجاری برای ترویج تغییر در تدریس و مدرس تعلیم و تربیت، راهنمایی را فراهم می کند. دوم، قدردانی از این که شخصیت اسطوره ای «معلم به عنوان فرد حرفه ای» دارای ارزش ذهنی و اکتشافی می باشد از این لحاظ که

یک توضیح جدید برای روند بحث برانگیز به سمت مفهوم تدریس در دوره های آموزشی محدود، ارائه می دهد.